

بررسی نقش تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجانی و مثبت‌اندیشی مادر در بروز اضطراب کودک

سودابه نارنجی^۱، کبری مرادی^۲

^۱ کارشناس ارشد روان‌شناسی مثبت‌گرا، گروه روان‌شناسی، واحد بروجرد، دانشگاه پیام نور، لرستان، ایران

^۲ استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، لرستان، ایران

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی پیش‌بینی اضطراب کودک بر اساس تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان و مثبت‌اندیشی مادران شهر خرم‌آباد بود. روش تحقیق در پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه کودکان سنین پیش‌دبستانی مراکز مهدکودک شهر خرم‌آباد به همراه مادران آن‌ها در سال ۱۴۰۱ می‌باشند. به این منظور ۱۱۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های اضطراب کودک، تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان و مثبت‌اندیشی استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون به روش گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج نشان داد بین تعامل مادر-کودک با اضطراب کودک، بین تنظیم هیجان مادر با اضطراب کودک و بین مثبت‌اندیشی مادر با اضطراب کودک رابطه معنادار وجود داشت ($p < 0/01$). همچنین، نتایج رگرسیون نشان داد اضطراب کودک بر اساس تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان و مثبت‌اندیشی مادران قابل پیش‌بینی بود ($p < 0/01$). از این رو، می‌توان نتیجه گرفت، برای موفقیت در کاهش اضطراب کودک، از بهبود تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان و مثبت‌اندیشی در مادران بتوان بهره گرفت.

واژه‌های کلیدی: اضطراب کودک، تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان، مثبت‌اندیشی

۱- مقدمه

مطالعات همه‌گیرشناسی نشان می‌دهد که اختلالات اضطرابی^۱ با شیوع به میزان ۵ تا ۱۷ درصد، یکی از متداول‌ترین اختلالات روان‌پزشکی در دوره کودکی بوده (MacNeill, Fu, Buss & Pérez-Edgar, 2022) و اغلب توسط کودکان سنین مدرسه تجربه می‌شود (Creswell et al, 2021). به‌علاوه این اختلالات در طول زمان پایدار بوده و افراد را در معرض نارسا کنش‌وری در زمینه‌های دیگر قرار می‌دهند که از جمله آنها به عملکرد تحصیلی ضعیف، عزت نفس پایین، افسردگی و وابستگی به مواد می‌توان اشاره کرد (Bowers et al, 2020). همچنین شواهد بسیاری وجود دارد که اختلال‌های اضطرابی دوران کودکی در مسیری مزمن به مشکلات اضطرابی در بزرگسالی ختم می‌شوند (Stevens & Morris, 2007). مدت زمان اضطراب و میزان آن هم در چگونگی واکنش کودکان نقش مهمی دارد. وقتی کودکان دچار اضطراب می‌شوند در رفتار آنان تغییراتی ایجاد می‌شود. تند مزاجی، بی‌حوصلگی، نگرانی، گریه‌های غیر قابل کنترل، همچنین لرزیدن در هنگام ترس نیز می‌تواند در این مواقع ایجاد شود (Peris, Thamrin & Rozenman, 2021). مدت زمان اضطراب و میزان آن هم در چگونگی واکنش کودکان نقش مهمی دارد. وقتی کودکان دچار اضطراب می‌شوند در رفتار آنان تغییراتی ایجاد می‌شود. تند مزاجی، بی‌حوصلگی، نگرانی، گریه‌های غیر قابل کنترل، همچنین لرزیدن در هنگام ترس نیز می‌تواند در این مواقع ایجاد شود (Creswell et al, 2021).

عوامل متعددی می‌توانند بر اضطراب کودکان مؤثر باشند و از آنجایی که مادران نقش مهمی در تربیت فرزندان ایفا می‌کنند و زمان بیشتری را با وی می‌گذرانند، می‌توان علل مرتبط با اضطراب کودکان را در مادران جست و جو کرد. یکی از این عوامل، تعامل مادر-کودک^۲ است. این سازه توسط (Landreth & Bratton, 2006) معرفی شده است و بر این عقیده استوار است که رابطه مادر-فرزندی می‌تواند تأثیری عمیق بر جنبه‌های گوناگون رابطه مادر-فرزندی، مانند افزایش درک و پذیرش مادر نسبت به فرزند دچار اختلال خود داشته باشد (Potharst et al, 2021). بهبود کیفیت تعامل والد-کودک یک روش مبتنی بر شواهد برای کاهش رفتار مخرب کودک و بهبود مدیریت رفتار والدین می‌باشد (Sheperis & others, 2015). هدف اصلی از بهبود تعامل والد-کودک، کاهش مشکلات و اختلالات رفتاری کودک و افزایش رفتارهای موافق اجتماعی، بهبود مهارت‌های فرزندپروری از جمله نظم و انضباط قاطعانه و کاهش استرس و تنیدگی والدینی است (Dirks & Rieffe, 2019).

عامل دیگری که به نظر می‌رسد بر اضطراب کودکان مؤثر است، تنظیم هیجان^۳ مادران می‌باشد. به طوری که دشواری در تنظیم هیجان از طریق بروز مشکلاتی در بروز پذیرش پاسخ‌های هیجانی^۴، دشواری در به کارگیری رفتارهای هدفمند^۵، دشواری کنترل تکانه^۶، فقدان آگاهی هیجانی^۷، دستیابی محدود به راهبردهای تنظیم هیجان^۸، فقدان شفافیت هیجانی^۹ مشخص می‌شود. به عبارتی دشواری در تنظیم هیجان از طریق بروز مشکلاتی در آگاهی، درک و پذیرش هیجان‌ها، فقدان دسترسی به راهبردهای انطباقی در مواجهه با هیجان‌های مختلف و یا ناتوانی در کنترل رفتار به هنگام مواجهه با انگیزندگی-های شدید هیجانی تعریف می‌شود (Berke & others, 2019). تنظیم هیجان شامل فرآیندهایی است که به وسیله آن افراد هیجانان خود را و نیز چگونگی ابراز آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در پژوهشی (رؤیتوند، اسماعیلی نسب و اشرفی، ۱۳۹۹) نشان داده شد واکنش والدین به احساسات منفی کودکان به واسطه تنظیم هیجانان بر اضطراب کودکان تأثیر می‌گذارد.

1. anxiety

2. mother - child interaction

3. difficulties in emotion regulation

4. dis acceptance of emotional responses

5. difficulty in employing targeted behaviors

6. difficulty controlling the impulse

7. lack of emotional awareness

8. achieving limited excitement strategies

9. lack of emotional clarity

همچنین واکنش والدین، اضطراب و تنظیم هیجان را پیش‌بینی می‌کرد و تنظیم هیجان نیز اضطراب کودکان را پیش‌بینی می‌کرد.

عدم تنظیم هیجان می‌تواند موجب کاهش مثبت اندیشی^{۱۰} در مادران شده و از این طریق نیز بر اضطراب کودکان مؤثر باشد. تداوم یک ارتباط والد-فرزند خوب، بی‌گمان می‌تواند منوط به تحمل و تاب‌آوری مادران در شرایط استرس‌زایی باشد که پاره‌ای از لحظات مادر را ممکن است به خود اختصاص دهد. مثبت‌نگری ناظر است بر جهت‌گیری مثبت (نتیجه بر وفق مراد) در تعبیر و تفسیر رخدادها، گذشته، حال و انتظارات مثبت از آینده در حیطه‌های ارزیابی فرد از توانمندی‌های خود، ارتباط با دیگران، ارتباط با خدا (مافوق) و کل جهان هستی (طبیعت) که در الگوی روانشناختی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی نمودار می‌شود (Oettingen & Cachia, 2016). در این راستا (Keshavarz Afshar, Ghazinejad & Sanaei, 2018) در پژوهشی به بررسی نقش هوش هیجانی و تفکرات مثبت مادران در میزان اضطراب اجتماعی نوجوانان دختر مبتلا به اختلال یادگیری پرداختند. نتایج نشان داد بین نمره تفکر مثبت با نمره کل هوش هیجانی و زیرمقیاس ارزیابی هیجانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین اضطراب اجتماعی با نمره کل هوش هیجانی و تفکر مثبت رابطه منفی معناداری به دست آمد.

به طور کلی، اضطراب به عنوان شایع‌ترین اختلال روانی موجود و عامل مهمی در بروز ناسازگاری‌های اجتماعی و اختلال یادگیری و سلامت روانی مورد مطالعه قرار گرفت و شیوع اضطراب آشکار و پنهان و عوامل مؤثر بر تأثیر اضطراب بر وضعیت تحصیلی را نشان می‌دهد. در واقع، اضطراب شایع‌ترین اختلال روانی موجود در تمامی گروه‌های سنی است (Çelik & Odacı, 2020). مطالعات نشان داده است تداوم اختلالات اضطرابی در دوران کودکی و نوجوانی سبب اختلال قابل ملاحظه بالینی یا تخریب عملکرد اجتماعی، تحصیلی، شغلی و سایر زمینه‌های مهم کارکردی فرد می‌شود. بنابراین اختلال مذکور علاوه بر صدمات بسیاری که از جهات رشدی، شخصیتی و... بر کودک می‌گذارد، تأثیرات نامطلوبی در رابطه والدین و سایر خواهران و برادران کودک نیز خواهد گذاشت. همچنین مطالعات انجام شده در مورد رابطه میان اختلال اضطراب دوران کودکی و اختلالات مربوط به بزرگسالی نشان داده است که وجود سابقه اضطراب دوران کودکی پیش‌بینی کننده اختلال افسردگی در بزرگسالی می‌باشد (Creswell, 2021). با عنایت به مطالب و پژوهش‌های عنوان شده، هدف از انجام این پژوهش، بررسی پیش‌بینی اضطراب کودک بر اساس تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان و مثبت‌اندیشی در مادران شهر خرم‌آباد است. به این ترتیب، پژوهش حاضر، از طریق فرضیه‌های زیر هدایت می‌شود:

۱. اضطراب کودک بر اساس تعامل مادر-کودک قابل پیش‌بینی است.
۲. اضطراب کودک بر اساس تنظیم هیجان مادران قابل پیش‌بینی است.
۳. اضطراب کودک بر اساس مثبت‌اندیشی مادران قابل پیش‌بینی است.
۴. اضطراب کودک بر اساس تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان و مثبت‌اندیشی مادران شهر خرم‌آباد قابل پیش‌بینی است.

۲- ادبیات تحقیق

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی و از نوع همبستگی است. در روش همبستگی هدف کشف روابط علی معلولی نیست بلکه هدف کشف رابطه دو یا چند متغیر است. مزیت عمده روش همبستگی این است که می‌توان متغیرهای زیادی را در نظر گرفت و رابطه بین آن‌ها را سنجید. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه کودکان سنین پیش‌دبستانی مراکز مهدکودک شهر خرم‌آباد به همراه مادران آنها در سال ۱۴۰۱ بودند. در پژوهش حاضر، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعداد ۱۱۰ کودک و مادران آنها انتخاب شد. در این روش نمونه‌گیری، از بین مراکز مهدکودک شهر خرم‌آباد،

¹⁰. positive thinking

تعداد ۶ مرکز انتخاب و با هماهنگی با مسئولان مراکز و مادران کودکان، به صورت خوشه‌ای تعداد ۱۱۰ مادر انتخاب شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار زیر استفاده شد.

۱-۲- پرسشنامه اضطراب کودک: مقیاس اضطراب کودکان^{۱۱} پیش‌دبستانی (PAS) فرم والدین توسط (Spence, 2001) طراحی شده است؛ که توسط مادران کودکان تکمیل شد. این مقیاس دارای ۲۲ ماده است که در یک طیف پنج درجه‌ای از صفر (اصلاً صحیح نیست) تا چهار (همیشه صحیح است) نمره گذاری می‌شود، که نشانه‌های مرضی اختلال اضطراب جدایی، اضطراب تعمیم یافته، هراس اجتماعی، ترس از آسیب جسمانی (به عنوان یک هراس خاص) و وسواس-بی‌اختیاری را در کودکان ۲ تا ۶ سال مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در پژوهشی که در میان معلمان کودکان ۴ تا ۶ ساله حاضر در مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی شهر تهران انجام شد، نتایج نشان دادند ضریب اعتبار کل آزمون برابر ۰/۸۹ است که اعتبار بالایی را نشان می‌دهد. برای بررسی روایی سازه و استخراج عوامل اشباع شده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریمکس استفاده شد. تعداد پنج عامل استخراج شد که روی هم ۶۸/۰۰۲ درصد کل واریانس را تبیین می‌کنند. پایایی نیز ۰/۸۲ گزارش شد (خداپناهی و دیگران، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر، برای تعیین پایایی پرسشنامه اضطراب کودکان از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر ۰/۸۴ به دست آمده است.

۲-۲- پرسشنامه تعامل مادر-کودک: در این پژوهش از پرسشنامه ۳۳ سؤالی تعامل والد-فرزندی (Pianta, 1994) استفاده شد که ادراک والدین را در مورد رابطه خود با کودکشان می‌سنجد. این پرسشنامه از سه مؤلفه تشکیل شده است. مؤلفه نزدیکی شامل ۹ سؤال، مؤلفه وابستگی شامل ۶ سؤال و مؤلفه تعارض شامل ۱۸ سؤال می‌باشد. نمره گذاری در این آزمون بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱: کاملاً مخالفم تا ۵: کاملاً موافقم را می‌سنجد و نمره کل این آزمون از مجموع نمره‌های حوزه نزدیکی و معکوس نمره‌های حوزه تعارض و وابستگی به دست می‌آید. در این پژوهش از نمره کل آزمون استفاده شد. روایی محتوایی این پرسشنامه توسط ابارشی و همکارانش مطلوب و پایایی کلی آزمون نیز ۰/۸۶ گزارش شده است (ابارشی و دیگران، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر، برای تعیین پایایی پرسشنامه تعامل مادر-کودک از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برابر ۰/۸۶ به دست آمده است.

۳-۲- پرسشنامه تنظیم هیجان: پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (Garnefski & Kraaij, 2006) یک ابزار ۱۸ گویه‌ای است و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان‌ها را در پاسخ به حوادث تهدیدکننده و تنیدگی‌زای زندگی می‌سنجد. راهبرد شناختی تنظیم هیجان در پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان به دو دسته کلی راهبردهای انطباقی (سازش یافته) و راهبردهای غیرانطباقی (سازش نیافته) تقسیم می‌شوند. زیرمقیاس‌های کم اهمیت شماری، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی؛ راهبردهای سازش یافته و زیرمقیاس‌های خود سرزنشگری، دیگر سرزنشگری، تمرکز بر فکر/نشخوارگری و فاجعه‌نمایی؛ راهبردهای سازش نیافته را تشکیل می‌دهد. نمره‌گذاری این پرسشنامه به این صورت است که ابتدا نمره هر گزینه به این صورت مشخص می‌شود: هرگز = ۱، گاهی = ۲، معمولاً = ۳، اغلب = ۴، همیشه = ۵. سپس نمره هر یک از زیرمقیاس‌های نه گانه با جمع نمره‌های دو گویه هر زیرمقیاس محاسبه می‌شود. در نهایت زیرمقیاس‌های مربوط به راهبردهای سازش یافته و سازش نیافته به صورت جداگانه با هم جمع می‌شود. نسخه فارسی پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان در ایران توسط (بشارت، ۱۳۹۵) اعتباریابی شده است. آلفای کرونباخ ۹ زیرمقیاس نسخه‌ی فارسی پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان بین ۰/۹۲ تا ۰/۷۶ گزارش شده است. در مطالعه بشارت، ویژگی‌های روان‌سنجی این فرم، شامل همسانی درونی، پایایی بازآزمایی، مطلوب گزارش شده است. همچنین بشارت در بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه در نمونه‌ای از جمعیت عمومی، ضرایب آلفای کرونباخ را برای خرده مقیاس‌ها از ۰/۶۷ تا ۰/۸۹ گزارش نمود. در پژوهش حاضر، برای تعیین پایایی پرسشنامه تنظیم هیجان از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر ۰/۸۵ به دست آمده است.

^{۱۱}. Children's Anxiety Scale

۲-۴- پرسشنامه مثبت اندیشی: پرسشنامه مثبت اندیشی توسط (Ingram & Winiski, 1988) طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال است. پاسخ های سوالات از طیف پنج گزینه ای لیکرت می باشد: همیشه: ۵؛ اغلب اوقات: ۴؛ گاهی: ۳؛ بندرت: ۲، هرگز: ۱. پایایی این آزمون براساس آلفای کرونباخ ۰/۹۴ و بر اساس روش دو نیمه کردن ۰/۹۵ محاسبه شد. روایی این آزمون مورد تأیید متخصصان بوده است. همچنین در پایان نامه کارشناسی ارشد (Karimi, 2012) تحت عنوان بررسی رابطه میان جهت گیری مذهبی، مثبت اندیشی و رضایت زناشویی همسران جانبازان شهرستان گنبد کاووس نیز پرسشنامه مثبت اندیشی از لحاظ روایی مورد تایید اساتید راهنما و مشاور قرار گرفته و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۹ محاسبه گردید. در پژوهش حاضر برای بررسی همسانی درونی پرسشنامه مثبت اندیشی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که برابر ۰/۸۷ به دست آمده است.

برای انجام پژوهش، به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، به آزمودنی ها در ابتدای لینک پاسخگویی، اطمینان داده شد که اطلاعات به دست آمده از پژوهش به صورت محرمانه و بی نام مورد استفاده قرار گیرد، به منظور حفظ اسرار شخصی و عدم تجاوز به حریم خصوصی افراد، نتایج در سطح کلی گزارش شود. برای تحلیل داده های به دست آمده از این پژوهش از نرم افزار SPSS-27 استفاده شد. در سطح توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام برای بررسی پیش بینی اضطراب کودک بر اساس تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان و مثبت اندیشی استفاده شد.

۳- یافته ها

یافته های توصیفی بیانگر این بود که بیشترین تعداد آزمودنی های مادر برحسب سن متعلق به گروه سنی ۳۵-۳۱ سال با فراوانی ۳۸ نفر و کمترین تعداد آزمودنی ها متعلق به گروه سنی ۴۵-۴۱ با فراوانی ۱۷ نفر بود. بیشترین تعداد آزمودنی ها برحسب مدرک تحصیلی متعلق به مدرک تحصیلی کارشناسی با فراوانی ۳۳ نفر بود. تعداد آزمودنی ها برحسب جنسیت کودک دختر با فراوانی ۶۲ نفر و کودک پسر ۴۸ نفر بود. در جدول ۱، میانگین، انحراف معیار و کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش آورده شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی در متغیرهای پژوهش

متغیر	شاخص های آماری	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
اضطراب کودک	۴۰,۵۰	۵,۱۶	۰,۷۹۰	۱,۱۳۲	
تعامل مادر-کودک	۷۱,۰۷	۲۶,۵۴	۰,۵۲۴	-۰,۳۶۸	
تنظیم هیجان	۴۸,۶۲	۱۳,۰۴	۰,۹۵۳	۰,۴۴۱	
مثبت اندیشی	۸۲,۵۳	۲۳,۲۶	۰,۰۲۹	-۰,۴۳۰	

آماره های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی در جدول ۱ آمده است. در ادامه ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

اضطراب کودک		متغیر وابسته
p	r	متغیرهای مستقل
۰,۰۰۱	-۰,۳۷۲	تعامل مادر-کودک
۰,۰۰۱	-۰,۳۲۵	تنظیم هیجان
۰,۰۰۱	-۰,۳۳۰	مثبت اندیشی

همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود؛ ضریب همبستگی بین متغیرهای تعامل مادر-کودک با اضطراب کودک (-۰,۳۷۲) $r =$ و $p < ۰,۰۰۱$ به دست آمده است. بنابراین فرضیه ۱ تحقیق تأیید می‌گردد. به این معنا که بین تعامل مادر-کودک با اضطراب کودک رابطه منفی وجود دارد. هرچه میزان تعامل مادر-کودک بیشتر باشد، اضطراب کودک کمتر می‌شود. ضریب همبستگی بین متغیرهای تنظیم هیجان با اضطراب کودک (-۰,۳۲۵) $r =$ و $p < ۰,۰۰۱$ به دست آمده است. بنابراین فرضیه ۲ تحقیق تأیید می‌گردد. به این معنا که بین تنظیم هیجان با اضطراب کودک رابطه منفی وجود دارد. هرچه میزان تنظیم هیجان در مادران بیشتر باشد، اضطراب کودک کمتر می‌شود. ضریب همبستگی بین متغیرهای مثبت اندیشی با اضطراب کودک (-۰,۳۳۰) $r =$ و $p < ۰,۰۰۱$ به دست آمده است. بنابراین فرضیه ۳ تحقیق تأیید می‌گردد. به این معنا که بین مثبت اندیشی با اضطراب کودک رابطه منفی وجود دارد. هرچه میزان مثبت اندیشی در مادران بیشتر باشد، اضطراب کودک کمتر می‌شود. همچنین برای بررسی اینکه کدام یک از متغیرها نقش مؤثرتری در پیش‌بینی اضطراب کودک دارد از تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام استفاده شد، به طوری که متغیرهای تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان و مثبت اندیشی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و اضطراب کودک به عنوان متغیر ملاک وارد معادله شدند که نتایج آن در جدول ۳، آمده است.

جدول ۳. خلاصه تحلیل رگرسیون با مدل گام‌به‌گام

ضرایب رگرسیون (β) و (B)				نسبت F احتمال p	ضریب تعیین RS	همبستگی چندگانه MR	شاخص آماری متغیرهای پیش‌بین
مقدار ثابت (a)	۳	۲	۱				
۴۵,۶۴۵	-	-	$\beta = -۰,۳۷۲$ $B = -۰,۰۷۲$ $t = -۴,۱۶۸$ $p = ۰,۰۰۱$	$F = ۱۷,۳۷۴$ $p = ۰,۰۰۱$	۰,۱۳۹	۰,۳۷۲	تعامل مادر-کودک
۵۰,۶۶۷	-	$\beta = -۰,۲۹۶$ $B = -۰,۰۶۶$ $t = -۳,۴۶۳$ $p = ۰,۰۰۱$	$\beta = -۰,۳۴۳$ $B = -۰,۰۶۷$ $t = -۴,۰۱۴$ $p = ۰,۰۰۱$	$F = ۱۵,۵۶۸$ $p = ۰,۰۰۱$	۰,۲۲۵	۰,۴۷۵	تعامل مادر-کودک و مثبت اندیشی
۵۳,۶۴۸	$\beta = -۰,۲۴۰$ $B = -۰,۰۹۵$ $t = -۲,۶۷۶$ $p = ۰,۰۰۹$	$\beta = -۰,۲۰۲$ $B = -۰,۰۴۵$ $t = -۲,۲۴۳$ $p = ۰,۰۲۷$	$\beta = -۰,۳۴۸$ $B = -۰,۰۶۸$ $t = -۴,۱۸۹$ $p = ۰,۰۰۱$	$F = ۱۳,۳۶۴$ $p = ۰,۰۰۱$	۰,۲۷۴	۰,۵۲۴	تعامل مادر-کودک، مثبت اندیشی و تنظیم هیجان

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، طبق نتایج رگرسیون به روش گام‌به‌گام متغیرهای تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان و مثبت اندیشی وارد تحلیل شدند. در گام اول تنها متغیر تعامل مادر-کودک قرار گرفته است که مقدار F و P آن به ترتیب ۱۷,۳۷۴ و ۰,۰۰۱ است. سپس در گام دوم با اضافه شدن متغیر مثبت اندیشی مقدار F و P آن به ترتیب ۱۵,۵۶۸ و ۰,۰۰۱ است.

۰,۰۱ بدست آمد. در گام سوم با اضافه شدن متغیر تنظیم هیجان مقدار F و P آن به ترتیب ۱۳,۳۶۴ و ۰,۰۱ بدست آمد. در این مدل ضریب تعیین متغیر تعامل مادر-کودک در مرحله اول، ۰,۳۷۲؛ ضریب تعیین متغیرهای تعامل مادر-کودک و مثبت اندیشی در مرحله دوم، ۰,۴۷۵ و در مرحله سوم، ضریب تعیین متغیرهای تعامل مادر-کودک، مثبت اندیشی و تنظیم هیجان ۰,۵۲۴ محاسبه شد که نشان دهنده این است که این سه مرحله به ترتیب ۰,۱۳۹؛ ۰,۲۲۵ و ۰,۲۷۴ از متغیر اضطراب کودک را تبیین می‌کنند. در نتیجه فرضیه چهارم تأیید می‌شود.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که متغیرهای تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان و مثبت اندیشی قابلیت پیش‌بینی اضطراب کودک را دارند. اولین یافته این پژوهش بیانگر این بود که اضطراب کودک بر اساس تعامل مادر-کودک قابل پیش‌بینی است. این یافته با نتایج پژوهش‌های شیرالی‌نیا، ایزدی و اصلانی (۱۳۹۸)، آریاپوران (۱۳۹۷)، خداپناهی و دیگران (۱۳۹۱)، Golombok & Savell & others (2021)، Oh & others (2020)، Maiuolo, Deane & Ciarrochi (2019)، others (2016)، هماهنگ و همسوست. در تبیین این یافته می‌توان بر طبق نظر Landreth & Bratton (2006) چنین گفت که رابطه مادر-فرزند می‌تواند تأثیری عمیق بر جنبه‌های گوناگون رابطه مادر-فرزند، مانند افزایش درک و پذیرش مادر نسبت به فرزند دچار اختلال خود داشته باشد. به طور کلی، کیفیت تعامل مادر-فرزند به تأثیر نحوه برقراری ارتباط و نگرش نسبت به فرزندان و ایجاد یک جو عاطفی توسط مادران تأکید می‌کند (Maiuolo, Deane & Ciarrochi, 2018). به طور کلی، خانواده نقشی بنیادی در ایجاد سلامت و بیماری افراد ایفا می‌کند و اصلی‌ترین نهاد در حفظ سلامت فرد و جامعه است. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد روانی و اجتماعی، روابط مادران و کودکان است که در زندگی کودک در حال رشد اهمیت بسزایی دارد (آریاپوران، ۱۳۹۷). سبک‌های تربیتی ناکارآمد و تعامل نامناسب مادر-کودک در طول دوران تحول، به ایجاد مشکلات ارتباطی و در نهایت آسیب‌پذیری کودکان در برابر اختلال‌هایی نظیر اضطراب، اختلالات رفتاری، آسیب روان‌شناختی، منجر خواهد شد. رابطه مادر-کودک، ترکیبی از رفتارها، احساسات و انتظارات منحصر به فرد است که بین مادران و فرزندان وجود دارد و شامل زمان با کیفیت، محبت فیزیکی و ارتباط کلامی است (شیرالی‌نیا، ایزدی و اصلانی، ۱۳۹۸).

یافته دیگر نشان داد، اضطراب کودک بر اساس تنظیم هیجان قابل پیش‌بینی است. این یافته به نوعی با نتایج پژوهش‌های رؤیتوند، اسماعیلی‌نسی و اشرفی (۱۳۹۹) و Leon & others (2019) هماهنگ و همسو است. در تبیین این یافته طبق دیدگاه Rotherford (2015)، می‌توان اظهار داشت که نحوه برخورد مادران با هیجان‌ات خود می‌تواند عملکرد آن‌ها و ارتباط با فرزندان را تحت تأثیر قرار دهد. مادرانی که در تنظیم و پردازش هیجان‌ات خود مشکل دارند، اغلب دچار پریشانی روان‌شناختی هستند و به میزان زیادی از هیجان‌ات منفی برخوردارند و این امر موجب مشکلات دیگری از جمله درک منفی از خویش، نگرانی نسبت به روابط با دیگران و عملکرد اجتماعی نامناسب در آن‌ها می‌شود. برعکس، آموزش و یادگیری تنظیم هیجان، آن‌ها را با نحوه ابراز مناسب هیجان‌ات در موقعیت‌های مختلف آشنا کرده و آن‌ها با پذیرش هیجان‌ات خویش، ابراز به موقع و مهار ابعاد منفی هیجان‌ات، می‌توانند تصور منفی از خود را بهبود بخشند و خود را به عنوان فردی مفید تلقی کنند که تأثیرات مثبتی بر کودکان خود نیز دارند (رؤیتوند، اسماعیلی‌نسب، اشرفی، ۱۳۹۹). بر این اساس، مادرانی که در تنظیم هیجان‌ات خود موفق هستند، فرزندان آن‌ها سازش‌یافتگی بهتری با محیط اجتماعی دارند و برای برقراری ارتباط با دیگران، اضطرابی به خود راه نمی‌دهند اما مادرانی که در موقعیت‌ها و شرایط دشوار زندگی، کمبودها و ضعف‌هایی را در قابلیت‌های تنظیم هیجانی از خود نشان می‌دهند، تحمل وضعیت‌های ناگوار را نداشته و واکنش‌های نامناسبی را نیز نشان می‌دهند (Rotherford, 2015). در نتیجه احتمال ایجاد یا تشدید هیجان‌ات منفی و نامناسبی همچون اختلالات اضطرابی را در فرزندان خود افزایش می‌دهند.

یافته دیگر نشان داد، اضطراب کودک بر اساس مثبت اندیشی قابل پیش‌بینی است. این یافته با نتایج پژوهش‌های کشاورز، قاضی‌نژاد و سنایی (۲۰۱۸) و یگانه و حافظیان (2018)، هماهنگ و همسو است. در تبیین این یافته می‌توان چنین گفت که، سلیگمن روانشناسی مثبت نگر را در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی و آغاز قرن بیست و یک ارائه کرده است. یکی از اهداف اصلی این رویکرد این است که به جای توجه به جنبه‌های مرضی و بیمارگونه، جنبه‌های مثبت شخصیت انسان را مد نظر قرار داده است. روانشناسی مثبت نگر به جای توجه مفرط به ناتوانی‌ها و ضعف‌های بشری، بر توانایی‌های انسان مثل شاد زیستن، لذت بردن، قدرت حل مساله و خوش بینی متمرکز شده است. هدف این رویکرد کشف شیوه‌هایی است که با استفاده از آنها بتوان احساس لذت و خوشی بیشتری کرد، حس نوع‌دوستی خود را ابراز کرد و در خلق محیط‌های خانوادگی، شغلی و اجتماعی نقش برجسته‌تری ایفا نمود (Keshavarz, Ghazinezhad & Sanaei, 2018). به گونه‌ای که مثبت نگری چندین جزء اساسی را در بر می‌گیرد: جزء هیجانی که فرد مثبت نگر از نظر خلقی، شاد و خوشحال است؛ جزء اجتماعی که فرد مثبت نگر از روابط اجتماعی خوبی با دیگران برخوردار است و می‌تواند از آنها حمایت اجتماعی دریافت کند و سرانجام جزء شناختی که سبب می‌شود فرد مثبت نگر اطلاعات را به روش خاص پردازش کند و مورد تعبیر و تفسیر قرار دهد و در نهایت سبب احساس شادی و مثبت نگری وی شود. در واقع مشکل اصلی کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی نسبت به جدایی از والدین یا دور شدن از خانه، اضطراب مفرط، ناتوان کننده و نامتناسب با سن آنهاست. اضطراب جدایی اغلب پس از آنکه کودک یک محرک تنش زای اساسی را تجربه می‌کند، مانند رفتن به محله جدید، حضور در مدرسه جدید، مرگ یا بیماری یکی از خویشاوندان، ورود به مدرسه ابتدایی، انتقال از یک مدرسه به مدرسه دیگر و کناره‌گیری از مدرسه بروز می‌کند (Yeganeh & Hafezian, 2018). یافته دیگر نشان داد، اضطراب کودک بر اساس تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان و مثبت اندیشی مادران قابل پیش‌بینی است. این یافته نشان داد، تعامل مادر-کودک بیش از مثبت‌اندیشی و تنظیم هیجان می‌تواند اضطراب را در کودکان پیش‌بینی کند. به نظر می‌رسد از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد روانی و اجتماعی، روابط مادران و کودکان است که در زندگی کودک در حال رشد اهمیت بسزایی دارد. با این حال کاهش مثبت اندیشی و افزایش راهبردهای تنظیم هیجان غیرانطباقی در تشدید اضطراب اجتماعی مادران و کودکان هر دو مؤثر باشد. می‌توان گفت مادرانی که تنظیم هیجان غیرانطباقی را گزارش می‌کنند ممکن است مشکلاتی را در حمایت از کودکانشان در مقابله با اضطراب اجتماعی داشته باشند، ضمن اینکه خود آنها نیز همزمان سطوح بالایی از اضطراب اجتماعی را تجربه می‌کنند. تنظیم هیجان غیرانطباقی، به مقابله با اضطراب آسیب می‌زند و در رویارویی با موقعیت‌های برانگیزاننده اضطراب، اجتناب را افزایش می‌دهند؛ بنابراین مادرانی که تنظیم هیجان غیرانطباقی را نشان می‌دهند احتمال بیشتری دارد که در موقعیت‌های برانگیزاننده اضطراب، هم برای خودشان و هم برای فرزندشان با اجتناب از موقعیت یا حفاظت بیش از حد از، خجالت و اضطراب اجتماعی را برانگیزند.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان گفت، نبود حداقل سطح سواد برای درک گویه‌ها در برخی از مادران، موجب کنار گذاشتن آن‌ها از پژوهش شد. عدم همکاری برخی مدیران مراکز مهدکودک‌ها از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. این پژوهش بر روی کودکان و مادران شهر خرم‌آباد انجام شده است، جهت تعمیم نتایج آن به مادران شهر خرم‌آباد در سایر شهرها و با فرهنگ‌های متفاوت، می‌بایست جانب احتیاط را رعایت کرد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه انجام شد و از جهت خودگزارشی بودن پرسشنامه، ممکن است نتایج همراه با سوگیری بوده باشد. در این راستا، پیشنهاد می‌گردد پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، میزان اضطراب مادران نیز مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده، سایر متغیرهای تأثیرگذار اعم از سن، شاغل یا شاغل بودن و میزان تحصیلات مادران کنترل شوند و نتایج آن‌ها با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شوند. پیشنهاد می‌شود، مشابه همین پژوهش نیز در دیگر شهرهای استان و کشور انجام گرفته و نتایج، با هم مقایسه گردند. در پژوهش‌های آتی همچنین می‌توان به بررسی نقش پدران کودکان پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان داد، تعامل مادر-کودک، تنظیم هیجان و مثبت اندیشی مادران نقش مهمی در میزان اضطراب کودکان ایفا می‌کنند بنابراین با برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌هایی در این رابطه، می‌تواند در کاهش اضطراب کودکان مؤثر باشد. براساس نتایج، آموزش ارتباط مادر-کودک به مادران برای کاهش نشانه‌های اختلال‌های اضطرابی آن‌ها پیشنهاد می‌شود. براساس نتایج، توانمندسازی مادران

برای مدیریت و تنظیم هرچه بهتر مشکلات هیجانی به کاهش اضطراب اجتماعی کودکان می‌انجامد. نتایج این پژوهش بر استلزام توجه به روابط مادر-کودک در ارزیابی وضعیت کودکان، به ویژه در موقعیت‌های بالینی و ضرورت طراحی و استفاده از نیمرخ درمانی توسط متخصصان بالینی کودک تاکید داشتند. جهت افزایش مثبت اندیشی در جهت کاهش اضطراب کودکان، جلسات آموزشی مثبت اندیشی برگزار گردد.

منابع

۱. آریاپوران، س. (۱۳۹۷). ارتباط تعامل مادر-کودک با نشانه‌های اختلال‌های اضطرابی در کودکان ناشنوا و نیمه‌شنوا. *توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۹(۲)، ۵۱-۶۳.
۲. ابارشی، ز.، طهماسیان، ک.، مظاهری، م. ع.، و پناغی، ل. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش برنامه "ارتقای رشد روانی-اجتماعی کودک از طریق بهبود تعامل مادر کودک" بر خود اثرمندی والدگری و رابطه مادر و کودک زیر سه سال. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، ۳(۳): ۴۹-۵۸.
۳. بشارت، م. ع. (۱۳۹۵). پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان: روش اجرا و نمره‌گذاری. روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، ۱۳(۵۰)، ۲۲۱-۲۲۳.
۴. خدائپناهی، م. ک.، قنبری، س.، نادعلی، ح. و سیدموسوی، پ. (۱۳۹۱). کیفیت روابط مادر-کودک و نشانگان اضطرابی در کودکان پیش‌دبستانی. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۹(۳۳)، ۱۳-۵.
۵. روتوند غیاثوند، پ.، اسماعیلی نسب، م. و اشرفی، ع. (۱۳۹۹). پیش‌بینی اضطراب کودکان بر اساس واکنش والدین به احساسات منفی آن‌ها با توجه به نقش میانجی تنظیم هیجان. اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی، ۵۷(۹)، ۳۵-۲۷.
۶. شیرالی نیا، خ.، ایزدی، م. و اصلانی، خ. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای استرس فرزندپروری، کیفیت رابطه مادر-کودک و سلامت روان مادر در رابطه بین فرزندپروری ذهن‌آگاهانه و مشکلات رفتاری کودکان. □ فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۰(۳۸)، ۱۳۵-۱۴۶.
۷. یگانه دارابی، ر. و حافظیان، م. (۱۳۹۷). بررسی رابطه هوش هیجانی، تاب‌آوری و مثبت‌اندیشی مادران با اضطراب جدایی کودکان پیش‌دبستانی. فصلنامه علمی-پژوهشی خانواده و پژوهش، ۱۵(۲): ۴۵-۶۶.

8. Abareshi Z, Tahmasian K, Mazaheri M A, Panaghi L. The impact of psychosocial Child Development training program, done through improvement of mother-child interaction, on parental self-efficacy and relationship between mother and child under three. *rph* 2009; 3 (3) :49-58.
9. Abareshi Z, Tahmasian K, Mazaheri M A, Panaghi L. The impact of psychosocial Child Development training program, done through improvement of mother-child interaction, on parental self-efficacy and relationship between mother and child under three. *rph* 2009; 3 (3) :49-58.
10. Ariapooran, S. (2018). Relationship between mother- child interaction and symptoms of anxiety disorders in deaf and hard-of-hearing children. *Empowering Exceptional Children*, 9(2), 51-63.
11. Berber Çelik, Ç., & Odacı, H. (2020). Does child abuse have an impact on self-esteem, depression, anxiety and stress conditions of individuals?. *International journal of social psychiatry*, 66(2), 171-178.
12. Berke, D. S., Reidy, D. E., Gentile, B., & Zeichner, A. (2019). Masculine discrepancy stress, emotion-regulation difficulties, and intimate partner violence. *Journal of interpersonal violence*, 34(6), 1163-1182.

13. Besharat, M. A. (2015). Cognitive Emotion Regulation Questionnaire: Implementation Method and Scoring. *Evolutionary Psychology: Iranian Psychologists*, 13(50), 223-221.
14. Creswell, C., Nauta, M. H., Hudson, J. L., March, S., Reardon, T., Arendt, K., ... & Kendall, P. C. (2021). Research Review: Recommendations for reporting on treatment trials for child and adolescent anxiety disorders—an international consensus statement. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 62(3), 255-269.
15. Dirks, E., & Rieffe, C. (2019). Are you there for me? Joint engagement and emotional availability in parent-child interactions for toddlers with moderate hearing loss. *Ear and Hearing*, 40(1), 18-26.
16. Garnefski, N., & Kraaij, V. (2006). Cognitive emotion regulation questionnaire—development of a short 18-item version (CERQ-short). *Personality and individual differences*, 41(6), 1045-1053.
17. Golombok, S., Zadeh, S., Imrie, S., Smith, V., & Freeman, T. (2016). Single mothers by choice: Mother-child relationships and children's psychological adjustment. *Journal of Family Psychology*, 30(4), 409.
18. Keshavarz Afshar, H.; Ghazinejad, N. & Sanaei, N. (2018). The Role of Emotional Intelligence and Mothers' Positive Thoughts on Social Anxiety in Adolescent Girls with Learning Disability. *Journal of Learning Disabilities*, 7(4), 147-130.
19. Khodapanahi, M. K.; Ghanbari, S.; Nadali, H. & Seyed Mousavi, P. (2011). The quality of mother-child relationships and anxiety symptoms in preschool children. *Evolutionary Psychology (Iranian Psychologists)*, 9(33), 5-13.
20. Landreth, G. L., & Bratton, S. C. (2006). *Child parent relationship therapy (CPRT) treatment manual: A 10-session filial therapy model for training parents*. Routledge.
21. MacNeill, L. A., Fu, X., Buss, K. A., & Pérez-Edgar, K. (2022). Do you see what I mean?: Using mobile eye tracking to capture parent-child dynamics in the context of anxiety risk. *Development and psychopathology*, 34(3), 997-1012.
22. Maiuolo, M., Deane, F. P., & Ciarrochi, J. (2019). Parental authoritativeness, social support and help-seeking for mental health problems in adolescents. *Journal of youth and adolescence*, 48, 1056-1067.
23. Oettingen, G., & Cachia, J. Y. (2016). *Handbook of Self-Regulation: Research, Theory, and Applications*.
24. Oh, A., Han, M., Choi, Y., Lau, S., & Shum, M. S. (2019). Exploring relationship among child maltreatment experience in childhood and behavior problems as young adults: Role of social support among college students in Hong Kong. *International social work*, 62(2), 1011-1024.
25. Potharst, E. S., Leyland, A., Colonna, C., Veringa, I. K., Salvadori, E. A., Jakschik, M., ... & Zeegers, M. A. (2021). Does mothers' self-reported mindful parenting relate to the observed quality of parenting behavior and mother-child interaction?. *Mindfulness*, 12, 344-356.
26. Roytvand Ghiasvand, P.; Ismaili Nasab, M. & Ashrafi, E. (2019). Prediction of children's anxiety based on parents' reaction to their negative emotions with regard to

- the mediating role of emotion regulation. *Thought and Behavior in Clinical Psychology*, 57(9), 27-35.
27. Savell, S. M., Womack, S. R., Wilson, M. N., Shaw, D. S., & Dishion, T. J. (2021). Considering the role of early discrimination experiences and the parent-child relationship in the development of disruptive behaviors in adolescence. *Infant Mental Health Journal*, 40(1), 98-112.
 28. Sheperis, C., Sheperis, D., Monceaux, A., Davis, R. J., & Lopez, B. (2015). Parent-child interaction therapy for children with special needs. *The Professional Counselor*, 5(2), 248.
 29. Shiralinia, K., Izadi, M., & Aslani, K. (2019). The role of mediators of parenting stress, the quality of mother-child relationship and mental health of mother in the relationship between mindful parenting and behavioral problems of children. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 10(38), 135-146.
 30. Yeganeh Darabi R, Hafezian, Ph.D. M. (2018). The Relationship between Mothers' Emotional Intelligence, Resilience, and Positive Thinking and Preschoolers' Separation Anxiety. *QJFR*, 15 (2), 45-66.

Investigating the effect of mother-child interaction, emotional regulation and mother's positivity on child anxiety

Sodabeh Narenji¹, Kobra Moradi²

¹ Master of Positive psychology, Department of Psychology, Borujerd Branch, Payam Noor University, Lorestan, Iran

² Assistant professor of Psychology Department, Payam Noor University, Lorestan, Iran

Abstract

The purpose of this study was to prediction of child anxiety based on mother-child interaction, emotion regulation and positive thinking in of mothers in Khorramabad. The research method was descriptive and correlational. The statistical population includes all of children of preschool age in Khorramabad kindergartens with their mothers in year 2022. To this end, 110 people were selected by stepwise cluster sampling. To collect the data, questionnaires such as Child anxiety of Spence, Rap, McDonald and Ingram (2001), Mother-child interaction of Pianta (1994) & Emotion regulation of Garnefski & Kraaij (2006) & Positive thinking of Ingram and Winiski (1998) were used. For data analysis, descriptive statistics and inferential statistics, pearson correlation coefficient and regression were used. The results of the data analysis showed that there was a negative and significant relationship between mother-child interaction with child anxiety, between emotion regulation with child anxiety and between positive thinking with child anxiety ($P < 0/01$). Also, the regression results showed that child anxiety could be predicted based on mother-child interaction, emotional regulation and positive thinking of mothers ($p < 0.01$). Therefore, it can be concluded that to succeed in child anxiety, improving mother-child interaction, emotion regulation and positive thinking in individuals can be used.

Keywords: child anxiety, mother-child interaction, emotion regulation, positive thinking
